



## بازخوانی کتابچه جمع و خرج حکومتی ظل السلطان (خوزستان و بختیاری) 1303 ق به خط سیاق

پدیدآورده (ها) : روستایی، محسن

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1381 - شماره 47 و 48  
از 34 تا 46

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92386>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 21/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



بار خدای  
کتابچه  
جمع و خرد  
کتابچه  
ظل استغفار  
خوزستان  
و بختیاری  
۱۳۰۲ ق  
نظارت

## تمهید

اسناد بیشماری از عهد قاجار به گزارش های مالی، احصائیه ها و دخل و خرج های مالیاتی اختصاص دارند. همگی و یا اکثرشان با خط سیاق تنظیم و نگاشته شده اند. (۷) همین موضوع ما را با این واقعیت روبه رو ساخته است؛ تا زمانی که این اسناد بازخوانی و سپس تحلیل نشوند، خیلی نمی توان امیدوار بود که تاریخ دوره قاجار و یا حداقل اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن روزگار را بطور کامل و منطقی درک کرد و حقایق تاریخی را آنچنان که باید دریافت.

مساله اخذ مالیات و بریز و پیاشهای درباریان و حاکمان قاجار از آن دسته مسائلی است که نیاز به پژوهش های عمیق و روشمند دارد. برای رسیدن به یک نقطه نظر مشترک علمی و تاریخی در مورد حوادث و رویدادهای آن روزگار، می بایست استنساخ اسنادی که با ارقام سیاق محاسبه شده اند و قضایای اقتصادی و سرشماریهای اجتماعی و فرهنگی عهد قاجار را در بردارند؛ در قالب مقاله و کتاب، در دستور کار قرار گیرد. چه بسا این اسناد پس از بازخوانی و پردازش بوسیله مورخان و پژوهشگران اسنادی، به مرور و بطور عملی، این فرضیه تاریخی را اثبات نماید که «یکی از عوامل مهم عقب ماندگی کشور در عهد قاجار خرج تراشی های دربار و اخذ مالیاتهای بی رویه و بی حساب و کتاب حکمرانان اقصی نقاط ایران بوده است. (۳) چنانچه میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار اعظم) در زمانی که سفیر ایران در استانبول بوده، طی نامه ای (در سال) ۱۲۸۶ ق. که به میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه وقت می نویسد:

«حکام و ولات ما که مامور می شوند اول در صدد خرج تراشی به جهت دولت و بعد طلب خواستن تخفیف است اینکه حساب دولت بیاورند و دیناری به رعیت ندهند چنانچه در موقع متعدد و مبلغ های گزاف مشهود شده است و یادگاری از ایام حکومت خود می گذارند ظلم است و تعدی و جریمه گزاف و تخریب مملکت و خانه خرابی رعیت ندهند. پادشاه و تحصیل تحول شخصی به جهت خودشان اگر به هر یک از ما به قدر حصه خودمان معنی وطن داری را فهمیده بودیم ادای تکلیف از خود نموده بودیم حالا وضع درست و ملت ما رنگ دیگری داشت و باز اولیای دولت علیه به مراتب سبکتر» (۴)

اسناد و شواهد موجود نشان می دهد که «مهمترین عاملی که باعث می شد مردم ایران و بخصوص جامعه ایلات و طوایف با کارگزاران دولت در تماس باشند وصول مالیات و ظلم و ستمی بود که در این راه بر افراد و طبقات مختلف روا می رفت.

از این رو عبدالله مستوفی در کتاب خود (شرح زندگانی من) وضعیت مالیات گیری را در عصر قاجار و ناصرالدین شاه چنین بیان می کند:

«بزرگترین تماس افراد با عمال دولت در وصول مالیات و تعدی هم که به آنها وارد می آمد از این راه بود. اگر چه ممیزیهایی که در زمان امیرنظام (۵) به عمل آمده و مالیاتها را مشخص نموده و طرز بنیچه (۶) (جمع و خرج حرف) که در تمام کشور معمول شده بود باید حدود مامورین مالیات را معین کرده و افراد را از اجحاف محصلین مصون نموده باشد ولی حرص و طمع حکام که از

نائب الحکومه ها تفاوت عمل یعنی اضافه بر مالیات می خواستند و آنها هم ناگزیر بودند بر بلوک باشی (۷) و آنها هم بر کدخدایان دهات تحمیل بیشتری بکنند، ممیزی را از عمل انداخته و به جای نظم و ترتیب، اجحاف و تعدی حکمفرما بود. بنابراین مالیاتی که رعیت می پرداخت شاید دو برابر چیزی بود که برای یک ده در جزو جمع تشخیص شده بود. البته در هر ده هم اشخاصی که هوش و شعور و کفایت و درایتی دلرند و منتفذ هستند یافت می شوند اینها از قبول این تعدی استکفاف و باز باری دست و پاها سنگین تر می شد» (۸)

به هر حال در میان اسناد نویافته با سندی روبه رو شدم موسوم به «کتابچه جمع و خرج ولایات خوزستان و بختیاری» که در سال ۱۳۰۳ ق. همزمان با حکمرانی شاهزاده مسعود میرزا ظل السلطان به رشته تحریر درآمده است. این کتابچه در ۸ برگ (باصفحه) و بنحی اسامی افراد و ولایات بطور کامل با خط سیاق نوشته شده است. سمیت راست سند، مهر چهارگوش کلاهک دار است از ناصرالدین شاه که سجع آن در آغاز همین کتابچه، بازخوانی می شود. (۹)

در انتها و پایان هر برگ از اسناد این کتابچه مهر میرزاپوسف خان مستوفی الممالک صدراعظم معروف مههور و حک شده است. تاریخ دقیق این سند مربوط است به ماه محرم الحرام سال ۱۳۰۳ ق. یعنی در سنت حدود



۶ ماه قبل از اینکه میرزایوسف خان (در پنجاه و سوم رجب ۱۳۰۳ ق.) به درود حیات بگوید. (۱۰)

میرزایوسف فرزند میرزا حسن خان مستوفی الممالک آشتیانی و پدر میرزا حسن خان مستوفی الممالک است؛ (۱۱) که پس از مرگ میرزا حسن خان سپهسالار که در سال ۱۲۹۸ ق. رخ داد؛ (۱۲) صدراعظم مطلق ایران شده، بدین سان که مطابق گذشته کلیه امور ولایات جنوبی و مرکزی و غربی و سایر نقاط ایران با نظم دفتر استیفا و محاسبات و سرو سامان دادن عمارات دولتی و امور خزانه و غیره به عهده میرزایوسف مستوفی الممالک بوده است و هر سند و گزارشی که مهر تایید او را داشت در مصونیت و اعتبار کامل بسر می برد. (۱۳)

گفتنی است که هنوز بر نگارنده معلوم و مشخص نیست که کتابچه مزبور تعداد صفحات و برگهایش بیش از این است و یا در همین ۸ برگگی که در اختیار اوست خلاصه می شود. هر چه که باشد این سند (هشت) برگگی، علاوه بر اینکه با هم ارتباط تنگاتنگ دارند، از نظر محتوا نیز استقلال خاص خود را دارد و بطور مجزای می توان آن را پردازش کرد. (۱۴)

مطلب دیگر اینکه: اوایل سند با رقم های درشت آغاز می شود که مربوط به اخذ مالیات های شهرها و ولایات است ولی از بخش های میانی تا پایان سند کم کم با رقم های مالیاتی کمتری رویه روی می شویم که بوسیله حکومت ظل السلطان از محل افراد مختلف دریافت شده است. در این کتابچه خواهیم خوانند که: «حضرت مستطاب والا ظل السلطان از بابت حق الحکومه ۳۵۹۲ تومان و ۳۰۰ دینار (پس از کسر) ۸۱۸ تومان و ۳۸۰۰ دینار رسوم است». (۱۵)

## نگاهی گذرا به زندگانی ظل السلطان

مسعود میرزا شاهزاده ای بود تنومند و کوتاه قد و سیاه چرده ابروانی پر پشت و بینی عقابی و صورتی گوشه خالی و چشمانی درشت داشت و چشم چپش لوچ بود. ولی روی هم رفته مانند اکثر شاهزادگان قاجار بدقیافه نبود. (۱۶)

وی پس از چهار پسر که به دلیل مرگ زودرس از دنیا رفته بودند، بزرگترین فرزند ناصرالدین شاه بود. (۱۷) او در روز بیستم ماه صفر سال ۱۲۶۶ ق. و به گفته خودش روز شنبه طلوع آفتاب متولد شد. (۱۸) و با اینکه سه سال از ولیعهد مظفرالدین شاه بزرگتر بود، چون مادرش عفت السلطنه، شاهزاده و زن عقده ای شاه نبود به ولایتعهدی نرسید. (۱۹)

مسعود میرزا در همان سنین کودکی (۱۲۷۷ ق.) به لقب یمین الدوله ملقب و در همین سال در سن یازده دوازده سالگی به حکومت مازندران، استرآباد، دشت گرگان، سمنان و دامغان منصوب گردید. (۲۰) پس از آن از سال ۱۲۷۹ ق. به ترتیب به حکومت فارس و اصفهان و تا سال ۱۳۰۵ ق. حاکم چهارده ایالت و ولایت جنوب غربی و غرب ایران بوده است. چنانچه درباره او گفته اند: «از لحاظ بصیرت به اوضاع و احوال جهان مترقی و حسن تدبیر و آشنایی به امور داخلی و خارجی با هیچ یک از برادران و اکفای و اقران خود قابل مقایسه نیست و به هیچ یک از فرق مختلف از قبیل شیخی و بابی و بهائی و صوفی و غیر متمایل نبوده است؛ در صورتی که مظفرالدین شاه برعکس به پاره ای اوهام و خرافات اعتقاد داشته است. (۲۱)

او در سال ۱۲۸۶ ق. که در فارس به پیشکاری حاج محمود قلی خان آصف الدوله برگزیده شده بود، به لقب ظل السلطان ملقب و مفتخر گردید. (۲۲) از آن پس ظل السلطان چندین بار حاکم فارس شد تا اینکه در سال ۱۲۹۱ ق. شاه او را به حکومت اصفهان برگزید و روانه نمود. ظل السلطان از همان سال تا اوایل مشروطیت به مدت ۳۴ سال حاکم مطلق و مسلط بر همه چیز اهالی اصفهان بود و هر چه دلش می خواست در آن جا انجام می داد. (۲۳) و در مدت ده سالی که (از ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۵ ق.) حاکم ایالات چهارده گانه ایران بود؛ همواره در اصفهان اقامت داشت و مرکز حکمرانی او در آن جا بود. در این مدت دست تعدی و تجاوز به مال و جان اشخاص دراز کرده بود و املاک فراوانی از مردم که پشت و پناهی نداشتند غصب و تصرف می نمود. (۲۴)

نقل است در سال ۱۲۹۷ ق. وقتی خیر حکومت سلطان مسعود میرزا را بر لرستان و خوزستان در شهر خرم آباد منتشر ساختند، چنان رغبت و ترسی در دل خوانین و رؤسا افکنده که بر جان و مال خود اندیشناک شدند، حق هم داشتند زیرا پس از مدت زمان کوتاهی پنج تن از سران طوایف لرستان با بیرحمی هر چه تمامتر به دستور او به دار آویخته شدند. (۲۵) خلاصه شوکت و جلال و اقتدار ظل السلطان بر مناطق وسیعی از کشور چنان وسعت یافته بود که احتشام السلطنه (حاجی میرزا محمودخان ذکوی علایم) در خاطرات خود می نویسد:

«حکومت نصف ایران، با این شاهزاده بود، از بنادر جنوب و یزد و فارس و عربستان (خوزستان) گرفته تا لرستان و بروجرد و اصفهان و گلپایگان و خوانسار سرپرستی ایالات بختیاری و قشقایی و ممسنی و الوار و اکراد و غیره تحت فرمان او بودند و در آن مناطق فعال مایشاء و مختار مطلق بود سپاه مخصوصی از سواره و پیاده با لباس مشخص و سلاح های جدید تشکیل داده بود و همچنین یکدسته گارد شخصی سواره که افراد آن عموماً غلامان سیاه و فرمانده ایشان با «غریب خان سیاه» بود اینجا کرده بود که تماماً غرق در اسلحه و با زین و براق و زیور طلا و لباسهای بسیار شیک و تمیز. همه وقت در رکاب خود شاهزاده حرکت می کردند. ادارات و مناطق تحت فرمان شاهزاده منظم و مستقل بود و روز بروز بر اعتبار و اقتدار او افزوده و از قدرت مرکز کاسته می شد و ترتیبات حکومتی و استیلائی نفوذ او، کم کم اسباب بعضی حرفها و حدسیات شده بود...» (۲۶)

اصولاً ظل السلطان عادتاً در اکثر ولایاتی که حوزه حکومتی او بود؛ فوج نظامی تشکیل می داد، بدین منظور که سواره نظام، در ایجاد امنیت او وصول مالیات از او فرمان برند. برای تایید مطلب سندی در دست داریم که نشان می دهد در سال ۱۳۰۴ ق. در لرستان قشون جدیدی [با شکل و شمایل متفاوت نسبت به قبل] انظم و ترتیب می یابد و سیدعزیزخان پسر دوم میرزا سیدرضا تفرشی نایب الحکومه و مستوفی حکومت بروجرد و لرستان را به سرکردگی سواره جدید لرستان منصوب و مفتخر می نماید. و مبلغ یکصد تومان مواجب برای منصب سرکردگی سوار لرستان به او پرداخت می گردد. (۲۷)

وصف شکوه و اقتدار ظل السلطان باعث شد که شاه، واگرنه خان صاحب منصب اطریشی را. که در خدمت قشون ایران بود به تفتیش

بفرستد، وی پس از بازدید از افواج خصوصی (گارد‌های مخصوص) ظل‌السلطان به ناصرالدین شاه گفته بود هر یک از فوج‌های پسر شما با یک فوج سرباز آلمانی برابر است. شاه از این موضوع اندیشناک شد، در نتیجه ظل‌السلطان که معمولاً همه ساله به تهران می‌آمد، این توبت در روزی که شاه را دعوت کرده بود و پیشکش لایق تدارک دیده بود، در موقعی که برای مراجعت، شاه سوار کالسکه می‌شد، امین‌السلطان (علی‌اصغر خان اتابک اعظم) برگشت و عزل ظل‌السلطان را از ولایات جنوب بدو ابلاغ کرد. (۲۸)

اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه خود راجع به عزل ظل‌السلطان این چنین می‌نویسد:

«جمعه ۱۱ جمادی‌الثانیه ۱۳۰۵ ... سبحان‌الله کی تصور می‌کرد جلالت و شوکت ظل‌السلطان به آن واحد هیأاً متثور خواهد شد. دیروز از حکومت که عبارت بود از فارس، بروجرد، عراق (اراک)، عربستان (خوزستان)، لرستان، کرمانشاه، کردستان، محلات، گلپایگان، خوانسار، کمره و غیره غیره معزول شدند. همان حکومت اصفهان تنها برای شاهزاده ماند قشون و اسلحه هر چه بود ضبط شد فی‌الواقع خانه نشینی و مقیم تهران خواهند بود معلوم نیست. چطور شد برای چه این کار واقع شد در هر صورت شاه اثبات قدرت فرمودند»..... (۲۹)

... بدین ترتیب ظل‌السلطان در سالهای پایان حکومت مظفری فقط حاکم اصفهان بود، (۳۰) تا اینکه پس از اعلان مشروطیت و در سال ۱۳۲۴ ق. که محمدشاه به سلطنت رسیده بود برای عرض تهنیت جلوس، به تهران آمد. مردم اصفهان در غیاب او تعطیل عمومی و اجتماع کردند و عزل او را جدا از مرکز خواستار شدند. کسروی در تاریخ مشروطه ایران در این باره می‌نویسد:

«..... ظل‌السلطان که از زمان ناصرالدین شاه فرمانروای اسپهان (اصفهان) و آن پیرامونها بوده و در آن جاها سراها ساخته و دبه‌ها خریده و ریشه سختی دوانیده بود به انگیزش آقا نجفی و دیگران، اسپهانیان برو شوریده و برداشتن وی را می‌خواستند و چون از تهران درخواست آنان پذیرفته نمی‌شد بازارها را بسته و پافشاری بسیار می‌نمودند مجلس هم چون برافتادن این گونه فرمانروایان ریشه‌دار را به سود مشروطه می‌دید همراهی با ایشان می‌نمود و در نتیجه ظل‌السلطان از آن جا برداشته شد. (۳۱)

فریدالملک همدانی نیز درباره عزل ظل‌السلطان می‌نویسد:

«..... به منزل حضرت سردار اکرم [عبدالله خان امیرنظام همدانی] رفتیم در مراجعت گماشته یکی از دوستان اظهار داشت حضرت والا شاهزاده ظل‌السلطان از حکومت اصفهان معزول و حضرت نظام‌السلطنه (حسین قلی خان) به جای ایشان منصوب شدند. این اوقات اهالی آن سامان به دارالخلافه تظلم کرده و عزل شاهزاده را مستدعی شده بودند». (۳۲)

پس از آن ظل‌السلطان با صرف پول بسیار یکبار دیگر به حکومت فارس رسید. (۳۳) ولیکن ماموریتش چندان دوام نیافت و محمدعلی شاه که او را مخالف خود می‌دانست وی را معزول کرد و ظل‌السلطان به اروپا رفت. (۳۴) کمی پس از عزل محمدعلی شاه و فتح تهران بدست مجاهدین ۱۳۲۷ ق. ناگهان ظل‌السلطان بی‌خبر از راه بادکوبه به ایران آمد. وی در شعبان سال ۱۳۲۷

ق. وارد انزلی شد. همان دم از طرف حکومت رشت بازداشت شد و سپس به باغ «مدیریه» رشت انتقال یافت. حکومت رشت به او اخطار داده بود که آزادی و اختیار به او داده نمی‌شود مگر اینکه جریمه‌ای برابر یکصد هزار لیره انگلیسی (یانصد و چهل هزار تومان) بپردازد. (۳۵) وی با اینکه کشته پدر سردار اسعد بختیاری (۳۶) بود به وساطت انگلیسیها از قصاص نجات یافت. ولی مبلغ ۳۰۰۰۰۰ تومان از او گرفته و به او اجازه داده شد که به فرنگستان برگردد. (۳۷) در جمادالاولی ۱۳۳۴ ق. بهرام میرزا پسرش که در کشتی انگلیسی «ساکس Sussex» مسافرت می‌کرد، با حمله آلمانها غرق شد و از این تاریخ بهت و اندوهی جانگزای بر ظل‌السلطان عارض شد که منجر به حیرانی و جنون او گردید. (۳۸)

وی در اواخر جنگ بین‌المللی اول به اصفهان مراجعت نمود و در باغ نو. عمارت اختصاصی خود. منزوی گردید. تا اینکه در شب ۲۳ رمضان ۱۳۳۶ ق. درگذشت و جنازه او را در مشهد بردند و در آن جا به خاک سپردند. (۳۹) از او کتابی به نام «سرگذشت مسعودی» عمارتی به نام «مسعودیه» و نیز چندین فرزند (ذکور و اناث) به جای ماندند که اکبر میرزا صارم‌الدوله از دیگر آنان معروف‌تر است. (۴۰)

## ظل‌السلطان و وصول مالیات

برخی از مورخین درباره شخصیت روحی و روانی و سیاسی و تاریخی ظل‌السلطان به یک نقطه نظر مشخص رسیده‌اند که او فردی بی‌رحم و خون‌ریز و طماع، (۴۱) ولی در عین حال وی را حاکمی لایق و باکفایت در برقراری نظم و امنیت می‌دانند. اما یکی از خصوصیات بارزی که شاید در آن روزگار بعنوان یک مشخصه منحصر به فرد برای او فرض می‌شود خراج‌گیری و نظم و نسق و شدتی بوده که در وصول مالیات از مناطق و ساکنین تحت حکمرانش اخذ می‌کرده است.

در حقیقت عاملین وصول مالیات، قشون و افواج متعددی بودند که ظل‌السلطان در ولایات تحت نفوذش ایجاد کرده بود، و از این راه به خوبی مالیات را دریافت می‌کرد و در این باب هیچ مسامحه نداشت. (۴۲) او خود در این باره نوشته است:

«من در همه چیز هر نوع که باشد تامل دارم الا از بابت مالیات بی‌اختیارم (۴۳) [.....] و اگر یک نفر از [قشون مرا] مرخص کنید این جانب نمی‌توانم یک دینار مالیات وصول کنم». (۴۴)

در نتیجه اینکه چون مالیات قلمرو وسیع ظل‌السلطان به موقع وصول می‌شد و سهم خزانه دربار بدون تاخیر و به موقع تحویل می‌شد. و از طرفی چون راه‌ها را امن نموده بود، و تجارت و کشاورزی و حشمنداری روزبه‌روز در حال ترقی و پیشرفت بود، محبوب دربار واقع شده بود و توجه به حال رعایا و اینکه خوش یا ناخوشند، خیلی مد نظر دربار نبود. (۴۵) از این رونزد پدر عزت یافت، تا آن جا که هر ولایتی که حکمران آن در اخذ مالیات و ایجاد امنیت از خود کفایت نشان نمی‌داد ولایت و حکومتش را ناصرالدین شاه یک جا ضمیمه حکمرانی ظل‌السلطان می‌کرد. بنابراین عامل اصلی که باعث شده بود چندین سال مسعود میرزا بر قسمت اعظمی از ایران حکم براند، قضیه ترتیب و مهارت و سختگیری بود که در اخذ مالیات به کار می‌برد و در این کار اصرار و پای فشاری زیادی از خود نشان می‌داد. تا حدی که قلمرو حکومتی این شاهزاده هر سالی هفتصد هزار لیره نقد و هفتاد و چهار



هزار لیره جنس برای خزانه ایران جمع آوری می کرد. (۴۶)

این مالیات از دویست و پنجاه هزار محل مربع که دویزیم خاک ایران است، بدست می آمد و قسمتی از آن به مصرف سپاهیان ظل السلطان می رسید که عده آنان بالغ بر بیست و یک هزار نفر بوده است. (۴۷)  
در سفر سومی که ظل السلطان به حکومت فارس رسید؛ حاج میرزا حسین خاں مشیرالدوله سپهسالار، راجع به ظل السلطان به ناصرالدین شاه چنین می نویسد:

«ماموریت نواب اشرف ارفع شاهنشاه زاده اعظم ظل السلطان صلاح حال حالیه دولت نیست زیرا از یک طرف به جهت قرب به پایگاه عظمت مظمن است و از جانب دیگر میل مفرطی به جمع آوری پول دارد و ایفا بر مال و غرض احدی نخواهد فرمود رعیت بی پای می شود و مالیات به خزانه نخواهد رسید تا اینکه شاهزاده را با شرایط و عهود و پیشکار معقول و مسلط بفرستیم و مالیات را از پیشکار بخواهیم و قدری تعدی و اجحاف یا تعرض به ناموس مردم به او صرف نشود. در این صورت به غیر از ظهیرالدوله و یا علاءالدوله (۴۸) عجباً در دربار همایونی کسی قابل و لایق این کار نیست.» (۴۹)

ناصرالدین شاه در جواب نامه صدراعظم این چنین نوشت:

«جناب صدراعظم در فقره تعیین حکام و پیشکاران ولایات بزرگ و کوچک از قراری که مکرر گفته ام خودم تکلیفی به شما نمی کنم و ابداً اظهار رای نخواهم کرد. هر طور مصلحت مملکت و دولت

باشد قرار حاکم و پیشکار ایالت فارس را بدهید و زود روانه کنید.»

به همین مناسبت ظل السلطان کینه سپهسالار را به دل گرفت و همواره برای او کارشکنی می کرده و در کتاب تاریخ مسعودی در باب چهار فرزند میرزایی خان امیردیوان می نویسد:

«حقیقتاً چهار شیطان مجسم بودند، بخصوص برادر بزرگشان میرزاحسین خان.» (۵۰)

بنابر آنچه که گفته شد نگارنده معتقد است با نوشتن شرح حال مسعود میرزا ظل السلطان در قالب یک مقاله محدود و نیز زمان محدودتری که بر ما مرتب بود نمی توان به زوایای چهره تاریخی او بطور کامل پی برد و مطلب به این راحتی جمع بندی نخواهد شد، و شاید پرداختن به او نیاز به چندین جلد کتاب آن هم با دیدگاه های مختلف داشته باشد؛ زیرا او همچون پدرش ناصرالدین شاه بخش عظیمی از تاریخ ایران و خصوصاً تاریخ محلی ایران را به خود اختصاص داده است. با این توضیح طرح مساله را این گونه کامل کنیم که ما هم بنابر وظیفه پژوهشی خود فقط به بهانه بازخوانی و معرفی کتابچه خط سیاقی که محوریت مقاله بر اساس آن پایه ریزی شده است اقدام به بیان دریاچه ای از زندگانی ظل السلطان نموده ایم همان گونه که در آغاز مقاله اشاره شد این سند مربوط است به جمع و تخریح مالیاتی ولایات خوزستان و بختیاری (۱۳۰۳ ق.) که در این مجال در ذیل مطلب آورده می شود

### متن کتابچه (به خط سیاق)

[سجع مهر ناصرالدین شاه الملک لله تعالی]

«تا که دست ناصرالدین دولت شاهی گرفت صیبت داه و معدلت از ماه تا ماهی گرفت»

قره باصره خلافت و شهریاری و غزه ماضیه اناضیه اسطنت و تاجداری فرزند اسعد کامکار سلطان مسعود میرزا ظل السلطان حکمران مملکت فارس و دلاسلطنه اصفهان و عربستان و لرستان و ولایات مضافه به عوطف مهر انتصاف پادشاهی مخصوص نموده است که صورت جمع و خرج تخاقوی نیل [مالیاتی ولایت عربستان ابوالجمعی آن فرزند نامدار او قرار نیست که در ذیل خطاب مستطاب مقریو الخاقان مستوفیان عظام مفصلاً قلمی داشته می باید اسناد خرج دیوانی را در دفترخانه مبارکه تحویل نموده خط سیخ بطلان کشیده برای هنگام ضرورت و رجوع ضبط نمایند و این کتابچه مهور به مهر مبارک را مفاصحا حساب خود دانسته ضبط کنند. مقرر آنکه مقریو الخاقان مستوفیان کرام شرح کتابچه مبارکه را ثبت و ضبط نموده حین تحویل گرفتن زیاده خرج دیوان هم و زیاده آن رجوع نموده و در عهده شناسند فی شهر محرم الحرام ۱۱۳۰۳ ق.]  
هو الله تعالی شانه

کتابچه جمع و خرج هذالسنه تخاقوی نیل عربستان و بختیاری ابوابجمعی کار گزاران حضرت مستطاب والا ظل السلطان مفرده: نقد و وصولی: ۱۴۲۲۸۵ تومان و ۹۹۴۰ دینار جنس: غلات: ۱۶۰۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار، شوشتر است: نقد و وصولی: ۱۳۴۴۳۴ تومان و ۶۴۵۴ دینار جنس: غلات: ۱۶۰۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار

از بابت فروعات:

نقد و وصولی: ۴۰۷۳ تومان و ۶۰۴۱ دینار

جنس: غلات: ۵۰ خروار، کاه: ۸۰۰ خروار

[مهر: مستوفی الممالک]

از بابت مالیات

نقد و وصولی: ۹۴۳۶۱ تومان و ۴۱۳ دینار

جنس: غله: ۱۵۵ خروار

رامهرمز:

۷۹۰۱ تومان و ۳۴۷۶ دینار (کسر) ۵۰ تومان در وجه میرزاتقی - (تتمه) ۷۸۵۱ تومان و ۳۲۷۶ دینار

دهور و جنجه و مزارع مثنورالدین آقاسیدرحیم ۱۴۰ تومان  
تقد: وصولی: ۱۱۱۵۳ تومان و ۲۹۷ دینار. جنس: غلات: ۱۸۵۱ خروار و ۵۷ من و ۳۰ سیر. کاه: ۴۷۲ خروار و ۹۶ من.

التحويل خزانة عامرة موضوعی از خرج تحویلی  
اصفهان. وصولی: ۵۰۰۰ تومان  
التحويل عمده الامراء العظام محمد-حسین خان پیشخدمت  
خاصه همایونی و رئیس اصطبل توپخانه مبارک از بابت تفاوت  
عمل توپخانه مبارکه عربستان که قبض کل جزو عراق ضبط شده  
است.  
تقد: وصولی: ۴۲ تومان و ۶۵۱۳ دینار. جنس: غلات: ۳۳  
خروار و ۹۷ من. کاه: ۴۸ خروار  
مصارف دیوانی و مخارج ولایتی: تقد: وصولی: ۶۱۰۰۲ تومان و. جنس: غلات: ۱۸۱۷ خروار و ۶۰۵۰ من و ۳۰ سیر ۳۷۸۸ دینار کاه:  
۴۳۲ خروار و ۱۶ من.  
مصارف: دیوانی، نقد: وصولی: ۵۳۴۹۵ تومان و ۹۴۰۱ دینار. جنس: غلات: ۱۷۹۸ خروار و ۲۳ من و ۳۰ سیر. کاه: ۴۲۲ خروار و ۸۰  
من

التحويل عمده الامراء العظام محمد-حسین خان پیشخدمت  
خاصه همایونی و رئیس اصطبل توپخانه مبارک از بابت تفاوت  
عمل توپخانه مبارکه عربستان که قبض کل جزو عراق ضبط شده  
است.

التحويل خزانة عامرة موضوعی از خرج تحویلی  
اصفهان. وصولی: ۵۰۰۰ تومان

تقد: وصولی: ۴۲ تومان و ۶۵۱۳ دینار. جنس: غلات: ۳۳  
خروار و ۹۷ من. کاه: ۴۸ خروار

مصارف دیوانی و مخارج ولایتی: تقد: وصولی: ۶۱۰۰۲ تومان و. جنس: غلات: ۱۸۱۷ خروار و ۶۰۵۰ من و ۳۰ سیر ۳۷۸۸ دینار کاه:  
۴۳۲ خروار و ۱۶ من.

مصارف: دیوانی، نقد: وصولی: ۵۳۴۹۵ تومان و ۹۴۰۱ دینار. جنس: غلات: ۱۷۹۸ خروار و ۲۳ من و ۳۰ سیر. کاه: ۴۲۲ خروار و ۸۰  
من

[مهر: مستوفی الممالک]

[سر مبارک] و غیره: ۲۷۲۴ تومان

حضرت مستطاب والا ظل السلطان از بابت حق الحکومه، ۳۵۹۲ تومان و ۳۰۰ دینار (کسر) ۸۱۸ تومان و ۳۸۰۰ دینار رسوم استند:

رسوم دو عشر ۷۱۸ تومان و ۴۲۰۰ دینار. (تتمه) ۲۷۲۴  
تومان و ۶۸۰۰ دینار  
صرف تعمیر بنایار خانه های عرض راه: ۱۰۰ تومان. مقرراً  
آنچه خرج می آید ۱۸۵۰ تومان

۸۷۲ تومان:

محرورین دفترخانه مبارکه استیفاء ۵۰  
تومان (مقرراً) ۴۰ تومان

معمد السلطان ناظم خلوت از بابت  
خلعت بهاء از قرار ملفوفه فرمان مبارک  
وقبض: ۱۲۰۰ تومان (مقرراً) از بابت  
عربستان ۸۰۰ تومان

جناب وزیر دفاتر مالیات استصوابی  
۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشر  
(تتمه) از قرار قبض ۳۲ تومان

راه ها:

نقد: ۸۴۰ تومان و ۸۰ دینار. جنس: ۵۰ خروار

عالیجاه میرزارضا مستوفی ولایتی است. نقد: ۶۳۸ تومان. جنس: ۵۰ خروار

عالیجاه حاجی ملارضای مشهور مقیم بصره. ۳۰۰ تومان  
(کسر) ۶۰ تومان رسوم دو عشر. (تتمه) از قرار قبض ۲۴۰ تومان

عالیجاه میرزارضا مستوفی ولایتی. نقد: ۴۸۵ تومان

(کسر) ۹۷ تومان رسوم دو عشر. از قرار قبض

نقد: ۳۸۸ تومان. جنس: ۵۰ خروار

[مهر: مستوفی الممالک]

عالیجاه میرزا محمد زکی [است]

۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان رسوم دو عشر (تتمه) از قرار قبض ۸۶۰ تومان

عالیجاه آقا طاهر سررشته دار است ۵۲ تومان و ۸۰ دینار

عالیجاه آقا طاهر سررشته دار ۲۳ تومان (کسر) ۶ تومان و ۶ قران  
آقا علی سررشته دار ۳۳ تومان (کسر) ۶ تومان و ۶ قران رسوم

دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۴ قران

حواله (حوالچه) ۳۰۰۹ تومان و ۸۸۲۰ دینار

عالیجاه شیخ جعفر خان ۱۰۰۰ تومان (کسر) ۲۰۰ تومان  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۸۰۰ تومان

عالیجاه رضاقلی خان ۵۰۰ تومان (کسر) ۱۰۰ تومان  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۴۰۰ تومان

ولدان مرحوم جعفرقلی خان ۳۶۷ تومان (کسر) ۷۳ تومان  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۹۳ تومان و ۶ قران

اولاد میرزا ابوطالب ۸۰ تومان (کسر) ۲۲ تومان رسوم دو  
عشیر (تممه) از قرار قبض ۴۸ تومان (قبض هم ورثه میرزا  
دستور العمل ضبط شد)

سید نعمت الله ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان رسوم دو عشیر  
(تممه) از قرار قبض ۸ تومان

آقا جعفر ولد امسجان ۱۲ تومان (کسر) ۲ تومان و ۵ قران  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۰ تومان (قبض هم  
ورثه آقا عبدالله ضبط شد)

[در قوی نیل] (۱۰۲۲ تومان و ۸ قران - ۸۸۲ تومان و ۸ قران)

میرزا اسدالله خان ۲۷ تومان (کسر) ۵ تومان و ۴ قران  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۱ تومان و ۶ قران

ورثه مرحوم علینقی است ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان رسوم  
دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۸ تومان

ورثه حاجی رشید خان ۳۰۵ تومان (کسر) ۶۱ تومان رسوم دو  
عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۴۴ تومان

اسدالله نیکان ولد امام محمد حسین ۶۰ تومان (کسر) ۱۲ تومان  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۴۸ تومان

آقا علینقی ولد مرحوم حاجی جواد نیکان ۱۰ تومان (کسر) ۲  
تومان، رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۸ تومان

دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۲۶ تومان و ۴ قران

عالیجاه مولی مطلب خان ۵۰۰ تومان (کسر) ۱۰۰ تومان  
(تممه) ۴۰۰ تومان

ورثه مرحوم علی رضاخان ۴۶۶ تومان (کسر) ۹۳ تومان رسوم  
دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۳۷۲ تومان و ۸ قران

ولدان مولی عبدالله خان ۲۶۶ تومان (کسر) ۵۳ تومان رسوم  
دو عشیر (قران) [۲۰۰۰ دینار]

[مهر: مستوفی الممالک]

سید ابوالفتح خان است ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان رسوم  
دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۴۰ تومان

آقا حبیب الله و ولد [عبدالله] تبریزی ۲۲ تومان (کسر) ۲ تومان و ۴  
قران، رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۱۷ تومان و ۶ قران

قائد حسین خان ۳۰ تومان (کسر) ۶ تومان رسوم دو عشیر  
(تممه) از قرار قبض ۲۴ تومان

[در قوی نیل] (۱۰۲۲ تومان و ۸ قران - ۸۸۲ تومان و ۸ قران)

میرزا محمد علی و میرزا محمود ۲۰ تومان (کسر) ۴ تومان  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۱۶ تومان

آقا سید عبدالرحیم ۱۳۷ تومان (کسر) ۲۷ تومان و ۵ قران  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۱۱۰ تومان

[مهر: مستوفی الممالک]

ورثه محمد تقی خان ۱۴۴ تومان (کسر) ۲۸ تومان و ۸ قران  
رسوم دو عشیر (تممه) از قرار قبض ۱۱۵ تومان و ۲ قران

ورثه آقا کریم ۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشیر  
(تممه) از قرار قبض ۳۲ تومان

ورثه آقا فضلعلی ۴۰ تومان (کسر) ۸ تومان رسوم دو عشیر  
سابق ۲۰ تومان، جز و اضافه دستور العمل ۲۰ تومان (تممه) از  
قرار قبض ۳۲ تومان



|   |  |
|---|--|
| اسدالله خان ۷ تومان (کسر) ۲ تومان و ۴ قران رسوم دو عشر، رسوم<br>(تتمه) از قرار قبض ۵ تومان و ۶ قران                           | آقا حسین ولد آقانصر الله مستوفی ۳۵ تومان (کسر) ۷ تومان<br>دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۲۸ تومان    |
| آقاسید محمد حسین ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان رسوم<br>دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان  | ورثه محمد خان ۱۰ تومان، (کسر) ۲ تومان و ۸ قران، رسوم<br>دو عشر، تتمه از قرار قبض ۱۱ تومان ۲ قران |
| آقانی (تقی) ۱۰ تومان (کسر) ۲ تومان، رسوم دو عشر،<br>(تتمه) از قرار قبض ۸ تومان  | آقا فتاح ۲۴ تومان (کسر) ۴ تومان و ۸ قران رسوم دو عشر،<br>(تتمه) از قرار قبض ۱۹ تومان ۲ قران      |
| [ مهر: مستوفی الممالک ]   |  |
| عالیجاه اسدالله خان ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان رسوم<br>دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۴۰ تومان                                       | عالیجاه آقاسید علی مستحفظ ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان  |
| اولاد مرحوم مولی اسماعیل خان ۳۳ تومان و ۳۴۰۰ دینار<br>(کسر) ۶ تومان و ۶۶۸۰ دینار، (تتمه) از قرار قبض ۲۶ تومان<br>و ۶۷۲۰ دینار | اولاد مرحوم شیخ احمد خان ۲۰۰ تومان (کسر) ۴۰ تومان،<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۶۰ تومان  |
| ورثه میرزا عبدالوهاب خان ۸۰ تومان (کسر) ۱۶ تومان، رسوم<br>دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۶۴ تومان                                 | عالیجاه میرزا سید حسین خان ۱۰۰ تومان (کسر) ۲۰ تومان،<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۸۰ تومان |

### عمارت :

### ولایت از بابت شوستر و ذفول ۲۲۶۶ تومان و ۲ قران - [تقدینه] ۱۲۳۳ تومان و ۴ قران

|  |   |
|--|---|
| بنی اعمام [مسجان] ۲۴۵ (کسر) ۴۹ تومان و ۱۲۰۰ دینار<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۹۶ تومان و ۴۸۰۰ دینار<br>و ۹۲۰۰ دینار.             | اولاد میرزا سلطان علی خان ۲۴۲ تومان و ۴ قران (کسر) ۴۸ تومان<br>و ۴۸۰۰ دینار، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۹۳ تومان<br>و ۹۲۰۰ دینار. |
| اولاد مرحوم حاجی محمد زمان ۱۲۵ تومان (کسر) ۲۵ تومان<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۰۰ تومان   | اولاد مرحوم حاجی عزیز الله خان ۲۲۰ تومان (کسر) ۴۴ تومان،<br>رسوم دو عشر، تتمه از قرار قبض ۱۷۶ تومان                                     |
| [ مهر: مستوفی الممالک ]  |   |
| ورثه آقا محمد شفیع ۱۰۰ تومان (کسر) ۲۰ تومان رسوم<br>دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۸۰ تومان  | ورثه میرزا محسن خان ۱۲۳ تومان و ۵ قران، (کسر) ۲۴ تومان و<br>۷ قران، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۹۷ تومان و ۸ قران                   |
| میرزا احمد نواده میرزا ابوظالب ۳۴ تومان و ۲۵۰۰ دینار<br>(کسر) ۶ تومان و ۸۵۰۰ دینار، رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار<br>قبض ۲۷ تومان و ۴ قران | ورثه آقا محمد رضا ۵۰ تومان (کسر) ۱۰ تومان، رسوم دو عشر،<br>(تتمه) از قرار قبض ۴۰ تومان  |
| میرزا محمد حسین ولد مسجان ۱۷۱ تومان (کسر) ۳ تومان و ۴ قران<br>رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۳ تومان و ۶ قران                          | میرزا محمود ولد میرزا ابوظالب ۲۲ تومان و ۵ قران (کسر) ۲ تومان<br>و ۵ قران رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۱۸ تومان                      |
| میرزا ضاعلی ۶۲ تومان و ۵ قران (کسر) ۱۲ تومان و ۵ قران  | ورثه میرزا احسان باباخان ۶۷ تومان (کسر) ۱۳ تومان و ۴ قران،  |

میرزا عبدالله خان ۳۳ تومان و ۳۳۳۳ دینار (کسر) ۶ تومان ۶۶۶۶ ورته آقا حسن ۲۶ تومان (کسر) ۵ تومان و ۳۳۳۳ دینار، رسوم دینار و رسوم دو عشر، (تتمه) از قرار قبض ۲۱ تومان و ۳۳۳۳ دینار

### بازخوانی سندی دیگر از ظل السلطان (حکمی است دربارهٔ سرپرستی سواره نظام لرستان)

«هو الله تعالی شاهه العزیز»

«سبح مهر ظل السلطان»

تاریخ شهر صفر المظفر مطابق سال فرخنده فال آیت نیل سعادت تحویل مرقوم می شود از آن قرار می که امیرالامراء العظام چاکر صدافت آگاه و امین بلد اشپناه مظفر الملک به عرض حضور والا رسانید سرپرستی سواره جدید لرستانی را به عهده عالیجاه میرزا سید عزیز خان تعویض نموده کمال مراقبت و لازمه مواظبت از مشارالیه در انتظام امور سواره به عمل آمده که فدوی دولتخواه مظفر الملک نهایت رضایت از طرز نیکو رفتاری و وسیع دوستکاری مشارالیه حاصل نموده ایست هانیز بر ذمیت همت والا لازم شمرده که بر حسب استدعای مظفر الملک مختص تشویق و تحریص هر یک از حاکمان لرستان که در خدمتگزاران می باشد و در خدمتگزاران مواظب است در حق او مزحمتی خاص مبذول و مکرمتی فزون از قیاس مشغول فرماییم لهذا استدعای فدوی دولتخواه مظفر الملک را مقرون اصلاح و قرین انجام دانسته مقرب الحضرت والا امیرزاسید عزیز خان را از این تاریخ و بعدا در منصب جلیل و درجه نبیل سرکردگی سواره جدید لرستانی معزز و بهینتر فرموده و مبلغ یکصد تومان موجب که همه ساله در حق سرکردگی این سوار برقرار است به مشارالیه مزحمت فرمودیم که از مشور این حاکمان لرستان این عاقبت و فرحمت بیشتر از پیشتر در خدمت اقدام و اهتمام به عمل بیاورد تا از حسن خدمتگزاری و از فرط درستکاری روز به روز بر مدارج اعتبار خود افزوده مورد مراعیم کامله و مستوجب مکارم شامله خاطر عاظر والا بوده باشد مقرر آنکه جناب جلالت مآب امیرالامراء العظام نور چشم والا مقام صلوات الدوله ابو الفتح میرزا سید ظل السلطان حفظ الله تعالی به عموم آحاد و افراد سواره جدید لرستانی قدغن نباشد که مشارالیه را به شرافت صدور این حکم محکم نظامی سرکرده بالاسبق قرار داده است از سخن و صلاح مشارالیه تعجب نگردد در عهده شناسند.

فی شهر فوق سنه ۱۳۰۴ (قمری) در روز سه شنبه در وقت شام در شهر تبریز

#### پس نوشتها

داصل (لرستان) منظور از بخاری، مناطق بخاری پیش خوزستان (اصول) است که منگبه آن را ایلات و طوایف مختلف بخاری تشکیل می دهد. مانند ایله و بهبهان و شوش و... افزون بر آن تمام منطقه چهارمحاله قسمتی از اصفهان و فارس و همچنین به کلبه مناطقی که پیشتر بویهر بود و سیلاخور در مسیر راه اصفهان قرار داشتند. بخاری می گفته اند. آرزوی به اوشیو سازمان امیند ملی و سایر مراکز آرشویی مشخص خواهد شد که بسیاری از استادان دوره باخط میاق نگاشته شده است. بدین منظور در ک آرشو بی اسم (اکذ بیوتات (۲۱۹۵) کز سوره (۲۶۵) کد ماله (۲۶۰) ۲۸. آن که فریدون ادهبته امیر کبیر و ایران (بخش ماله و خرمه) هر آن، شریکت بهایم اشتارایت خوارزمی، ص ۲۶۵، ۲۸۵. ۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، وزارت، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۸. ۳. امیر نظام (منظور حیرزاتی خان فرغانی) فرزند شهیدی قربان هراوه لوی، معروف به امیر کبیر است. سایر القاب: مستوفی نظام، وزیر نظام، اتابک اعظم. ۴. قزینچه، اسم مصغر، جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی

را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند و از رفتاری است جداگانه که آن را دفتر خارج املاک و طوایف مختلف بخاری تشکیل می دهد. مانند ایلات و اصفهان و فارس و همچنین به کلبه مناطقی که پیشتر بویهر بود و سیلاخور در مسیر راه اصفهان قرار داشتند. بخاری می گفته اند. آرزوی به اوشیو سازمان امیند ملی و سایر مراکز آرشویی مشخص خواهد شد که بسیاری از استادان دوره باخط میاق نگاشته شده است. بدین منظور در ک آرشو بی اسم (اکذ بیوتات (۲۱۹۵) کز سوره (۲۶۵) کد ماله (۲۶۰) ۲۸. آن که فریدون ادهبته امیر کبیر و ایران (بخش ماله و خرمه) هر آن، شریکت بهایم اشتارایت خوارزمی، ص ۲۶۵، ۲۸۵. ۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، وزارت، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۸. ۳. امیر نظام (منظور حیرزاتی خان فرغانی) فرزند شهیدی قربان هراوه لوی، معروف به امیر کبیر است. سایر القاب: مستوفی نظام، وزیر نظام، اتابک اعظم. ۴. قزینچه، اسم مصغر، جمعی را گویند که بر اصناف حرفت و املاک می بندند. جمعی

نه قسم مهر باسجج های مختلف داشته است، که هر کدام نوع کاربردشان با یکدیگر فرق داشته است. از جمله همین بهیری که در مقاله سوید بررسی و معرفی قرار گرفته مخصوص فرامها و احکام مهم بوده است. از جمله مهر های دیگر ناصرالدین شاه سجع مهری است باین مضمون «السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار» و این مهر مخصوص پشت پاکت ها بوده است (انگلیسی). قلمه مهری، مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، صص ۳۹۶، ۳۹۸.

۱۰. میرزیوسف خان در سن ۱۶ سالگی در گذشت و در باغ خود در ونک مدفون شد. ک: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، ص ۴۶۲.

۱۱. محمدحسن اعتمادالسلطنه، صدرالتواریخ، تصحیح، محمد مشیری، تهران، روزبهان، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

۱۲. ک: مهدی فرهانی منقره، «میرزااحسین خان سپهسالار قزوینی...» مجله گنجینه اسناد، شماره ۲۳ و ۲۴، ص ۷۹.

۱۳. خان ملک ساسانی، سیاستگاران دوره قاجار، تهران، بابک، قسمت اول، ص ۱۵۱.

۱۴. تصویر این اسناد را دوست و همکار ارجمند جناب آقای داوود امینی در اختیار این جانب قرار دادند. ایشان نیز تصویر اسناد و کتابچه مربوط را از محقق و استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر جابر عناصری که از اسناد شخصی، و در اختیار ایشان بوده دریافت داشته اند. باسبب از هر دوی این عزیزان که اساس و پایه تنظیم این مقاله را به عهده این جانب گذاردند.

۱۵. ک: به متن بازخوانی شده همین کتابچه (ص ۲، بند سوم).

۱۶. ک: محمدرضا والیزاده معجزی، تاریخ لرستان روزگار قاجار از ناهسیس تا کودتای ۱۲۹۹، تهران، حروفیه، ۱۳۸۰، صص ۱۱۹ و ۱۲۰ و نیز ک: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران، در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸، ج دوم، ص ۴۳۶.

۱۷. پسران ناصرالدین شاه عبارت بودند از: ارشد آنان از کتب حکم بود که در وقت زین شاه در دوران ولیعهدی بود ولیعهد خوانده شد و در کودکی در گذشت پس از او شاهزاده ولیعهد محمدقاسم میرزا و برادرش فرزندان جیران ملقب به فروغ السلطنه به ترتیب ولیعهد شدند و یکی پس از دیگری در گذشتند. بالاخره شاهزاده سلطان معین الدین میرزا که از خجسته خاتم تاج الدوله نخستین زن شاه پس از جلوس بود به ولیعهدی رسید ولی او نیز مانند سه برادر دیگر نایب هنگام تولد از جهان فرویست. می گفتند مهدعلی مادر شاه از شدت علاقه به فرزند خویش نمی توانست جانسین آینده او را ببیند و هنگامی که ولیعهد بیمار می شد به دستور معرمانه او طبیب زهر در داروی کودک بیگانه می کرد و او را مسموم می ساخت. ناصرالدین شاه پسری هم داشت ملقب به جلال الدوله که زمانی کوتاه حکمران خراسان شد و در اوآن جوانی از دست رفت. شاهزاده مظفرالدین میرزا ولیعهد پنجم از بزرگان مصون ماند و شاه شد. شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه لوزیز جنگ استخمسین پسر ناصرالدین شاه از شیر السلطنه و بسیار مورد توجه و علاقه پدر بود. ک: دوستعلی خان میرالممالک، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۵۱۰.

۱۸. مسعود میرزا ظل السلطان، خاطرات ظل السلطان، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸، ج اول، ص ۱۹.

۱۹. جرحان، کزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ج اول، ص ۵۲۵.

۲۰. مسعود میرزا ظل السلطان، خاطرات ظل السلطان، همان، ص ۵۲۷.

۲۱. ک: حسین سعادت نوری، ظل السلطان، تهران، وحید، ۱۳۳۷، ص ۲۲.

۲۲. کریم سلیمانی، القاب رجال دوره قاجار، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶.

۲۳. از وقایع مهم این دوره این بود زمانی که ظل السلطان حاکم اصفهان شد بخش عظیمی از بناهای قدیمی اصفهان را دستور داد تخریب کنند. منظور او از تخریب آن بود که هیچ گاه نظر ناصرالدین شاه به اصفهان جلب نشود. (انگلیسی). محمدتقی لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کایفر، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱۴.

۲۴. مهدی نامداد، شرح حال رجال ایران، همان، صص ۸۲ و ۸۳.

۲۵. واقعه اعدام و یا به قولی سربردن میرزا طوایف لرستان از آن جا آغاز شد که طوایف بیرون آمد و سگوند، انتشار خبر مرگ شاه را بهانه قرار دادند و علیه سگوندی ظل السلطان شورش کردند و اردوی او را در محاصره خود گرفتند، اما پس از تکذیب این خبر و وقوع یک جنگ شدید، سران شورشیان دستگیر گردیدند. از طایفه سگوند مرادخان، خان جان خان، صفرخان و از طایفه بیرونوند اسدخان و از حسوندها، عجم خان به دار آویخته شدند و حاجی عالیخان رئیس طایفه سگوند که پیرمردی حدود ۱۰۰ ساله بود به زندان افکنده شد. شدت عمل وی موجب طغیانهای

بی در پی گردید و مردم از کار گرانان او وحشت فراوان داشتند. ان. ک: علی محمد ساکی، جغرافیای تاریخی لرستان، خرم آباد، کتابفروشی محمدی، ۱۳۴۳، ص ۳۳۷.

۲۶. ک: خاطرات احتشام السلطنه، (میرزااحمدوخان) به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۶، صص ۲۲۱، ۲۲۲.

۲۷. ک: به بازخوانی سند پیاپی همین مقاله (سندی است مربوط به حکم سواره نظام جدید لرستان) این سند بوسیله دوست ارجمند جناب آقای سیدبیدالله ستوده در اختیار این جانب قرار گرفت. (باسبب از ایشان).

۲۸. ک: حاج مهدی قلی خان مجیر السلطنه، گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳، جلد سوم و چهارم، ص ۱۷۵.

۲۹. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهارس از ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۶، ص ۵۴۴.

۳۰. ک: (عبدالحسین خان سپهر، یادداشتهای ملک المورخین، با تصحیح... عبدالحمین نوایی، تهران، زوین، ۱۳۶۸، ص ۶۹.

۳۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، صص ۲۲۷، ۲۲۸.

۳۲. میرزااحمدعلی خان فریدالملک همدانی، خاطرات فرید، گردآورنده: مسعود فرید (فرآورنده)، تهران، زوار، ۱۳۵۴، ص ۲۵۷.

۳۳. محمدعلی سفوی، مشروطه ساران، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰، ص ۲۹۶.

۳۴. مهدی نامداد، شرح رجال ایران، همان، ج ۲، ص ۵۲.

۳۵. احمد کسروی، تاریخ هجده ساله آذربایجان بازمانده تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۶۳.

۳۶. پدر سردار اسعد حسینی خان ایلخانی بختیاری بود که در سال ۱۲۹۹ ق. به دستور ظل السلطان به قتل رسید و بعد شهرت انداختند که ایلخانی سگنه کرده. آنگاه چنانچه او را با جلال و احترام در تخت فولاد در تکیه میزدن کردند (انگلیسی). محمدرضا والیزاده معجزی، تاریخ لرستان، صص ۱۲۵ و نیز خیدرضاالوند، ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری، صص ۱۳ و ۱۴.

۳۷. ک: ایرج افشار، «تاریخ زاده و ظل السلطان» قسمت اول، مجله یغما، شماره هفتم، سال سی ام، مهرماه، ۱۳۵۶، ص ۴۰۰.

۳۸. چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر والاناثر، به کوشش ایرج افشار، ص ۳۳۶.

۳۹. ناصر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹، ص ۳۷۴.

۴۰. فرزندان ظل السلطان متعدد بوده اند و پسرهای او عبارت بودند از: اکبر میرزا صرام الدوله، محمود میرزای یمین السلطنه، همانون میرزا امیرالرفیع، اسماعیل میرزا معتمد الدوله، اردشیر میرزا و غلامحسین میرزا جلال الدوله، فیروز میرزا، تیمور میرزا و بیخود حسین میرزا.

۴۱. برای برداشت این مطلب، ک: خسرو معتمد، ظل السلطان از فراموشخانه تا گنجینه خسروی، تهران، نشر البرز، ۱۳۸۰، ص ۶۰۴.

۴۲. ک: محمود طاهر احمدی، «ظل السلطان» (برگردیده تلگرافهای خط اصفهان ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶ ق.) مجله گنجینه اسناد، سال اول، دفتر سوم و چهارم، ۱۳۷۰، ص ۸۶.

۴۳. ک: «اسناد بیوات» (مخابرات دولتی خط فارس)، (خطی)، ص ۴۳، تلگراف نمرة ۱۲.

۴۴. همان، ص ۱۵۲، ت ۷.

۴۵. ک: محمدرضا والیزاده معجزی، همان، ص ۱۲۷.

۴۶. همان منبع پیشین، ص ۱۶۵.

۴۷. همان، ص ۱۲۷.

۴۸. احتمالاً علاءالدوله میرزااحمدخان، فرزند محمدرحیم خان قاجار است که از اعظام و اعیان ایران در دربار ناصرالدین شاه بود و مدت زیادی حاکم شیراز و استرآباد، کرمانشاه و سایر بلاد ایران بوده است.

۴۹. برای اطلاع بیشتر ک: محمود فرهاد معتمد، سپهسالار اعظم، تهران، ۱۳۲۵، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۵۰. ک: مسعود میرزا ظل السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی، تهران، دنیای کتاب، چاپ سنگی (افست)، ۱۳۶۲، ص ۳۳۳.



شهر مطهر سلطان و در حلال است

س

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

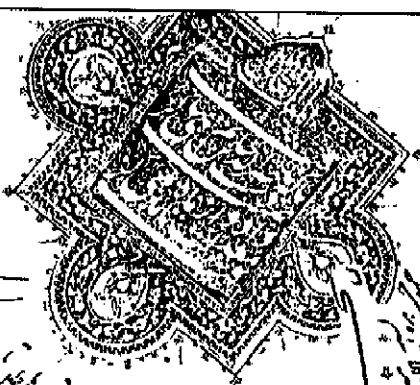
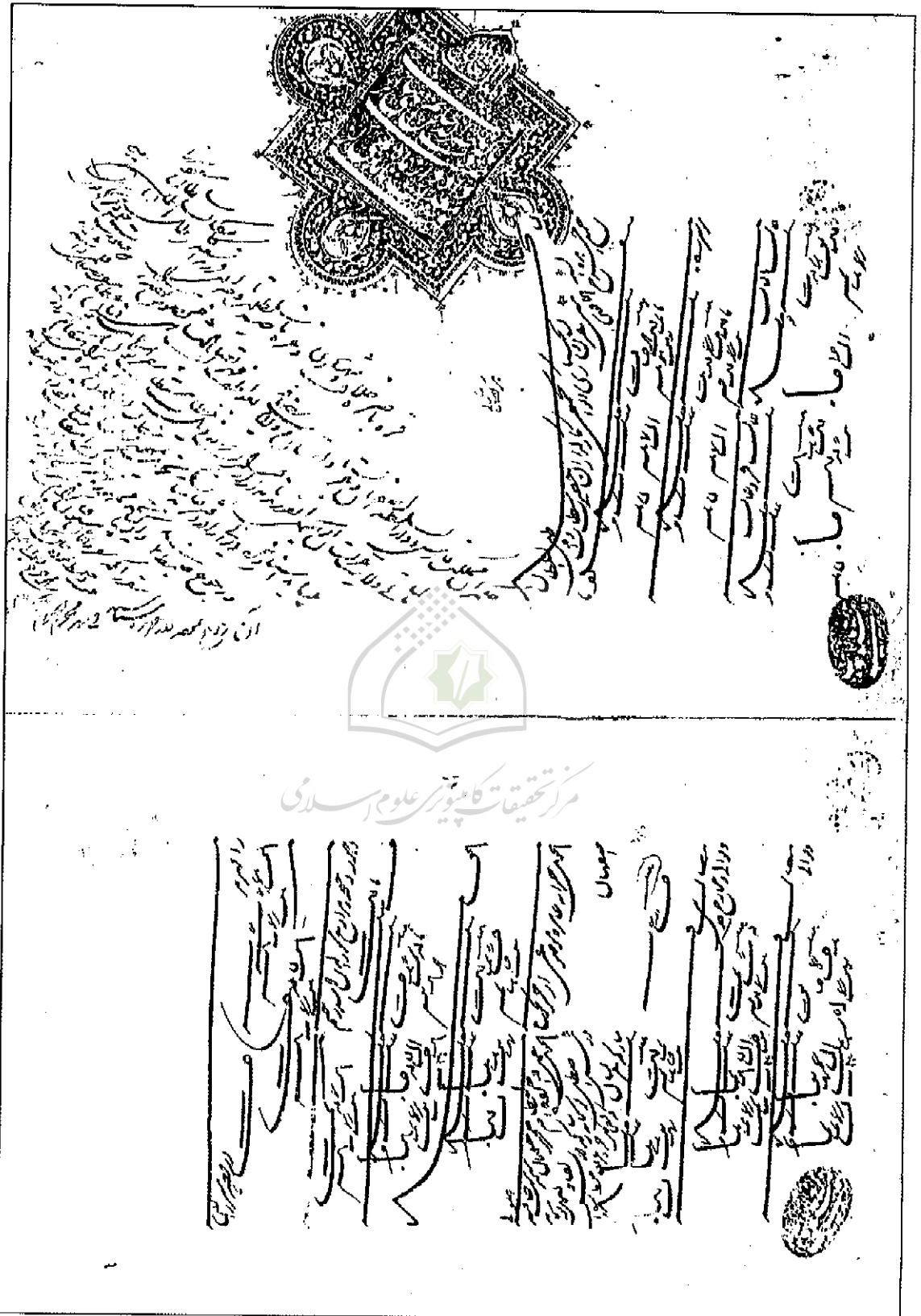
در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان

در شهر مطهر سلطان که در این شهر مطهر سلطان در شهر مطهر سلطان



Handwritten Persian text in the upper section, including a large block of text on the left and a smaller block on the right, possibly a signature or official statement.

Handwritten Persian text in the middle section, consisting of several lines of text, possibly a list or a set of instructions.



مركز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

Handwritten Persian text in the lower section, arranged in columns, likely containing detailed notes or a report.





